

آثار حجاب بر تحکیم خانواده از منظر آموزه‌های دینی

طاهره زرگر

چکیده:

عنوان پژوهش، آثار حجاب بر تحکیم خانواده از منظر آموزه‌های دینی می‌باشد. آیات و روایات فراوانی به نقش حجاب اهتمام داشته‌اند. پوشش و حجاب، پرتوی از آفرینش الهی است که فلسفه وجودی آن حفظ مقام و ساحت مادی و معنوی زن و مرد و زمینه ساز رشد و کمال آن‌ها تا مراتب عالی انسانیت است. یکی از قوانین ربانی در شرایع الهی مسأله حجاب و پوشش بوده است و خالق بشر که بر تمامی اسرار و رموز آفرینش عالم، خبیر است. آیات نورانی قرآن کریم این حکم الهی را به نحو مطلوب تبیین و سیره معصومین(ع)، به ویژه سیره معصومه فاطمه زهرا (ع) آن را به بهترین شکل به منصه ظهور و اجرا در صحنه زندگی رسانده اند. روش این تحقیق از نوع توصیفی تحلیلی و مطالعات آن، کتابخانه‌ای می‌باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ابتدا بعد از معنای لغوی و اصطلاحی حجاب، آثار آن بر تحکیم خانواده از منظر آموزه‌های دینی بررسی شده که عبارتند از: سلامت اجتماع، ارزشمندی شخصیت زن، سلامت نسل، کاهش فساد و... می‌باشد. از این رو انسان با شناخت اثرات حجاب بر زندگی خانوادگی می‌تواند به آرامش و استحکام خانواده برسد.

کلید واژه: تحکیم خانواده، حجاب، سلامت نسل

در جوامع مختلف، حجاب نه تنها به عنوان یک پوشش بلکه به عنوان نمادی از ارزش‌ها، هویت فرهنگی و باورهای دینی شناخته می‌شود. در جامعه ایران، حجاب دارای جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ و نظام خانواده است. در شرایطی که جامعه‌ی امروز ایران با تحولات فرهنگی، رسانه‌ای و اجتماعی گوناگون مواجه است، نقش ارزش‌های سنتی از جمله حجاب در نظام خانواده با چالش‌هایی روبه‌رو شده است. اگرچه حجاب از دیرباز به عنوان یک اصل دینی و اخلاقی مورد توجه بوده، اما در سال‌های اخیر، تغییر نگرش برخی خانواده‌ها نسبت به آن، موجب ایجاد پرسش‌هایی در رابطه با تأثیر واقعی این اصل در تحکیم بنیان خانواده شده است. با توجه به افزایش آمار طلاق، ناهنجاری‌های خانوادگی و تغییر سبک زندگی، این سؤال مطرح می‌شود که آیا رعایت حجاب می‌تواند همچنان به عنوان عاملی مؤثر در حفظ روابط سالم خانوادگی ایفای نقش کند؟

در شرایطی که برخی خانواده‌ها با بحران‌های عاطفی و بی‌ثباتی در روابط مواجه‌اند، شناخت ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی حجاب ممکن است دریچه‌ای برای حل برخی از مشکلات موجود باشد. پرداختن به این موضوع نه تنها از نظر دینی بلکه از منظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی نیز ضروری و کاربردی است.

پژوهش‌هایی که درباره حجاب انجام شده، بسیار زیاد است، ولی به دلیل بُعد تبیینی که این مسئله دارد، با هر کلمه و هر سخنی می‌توان بعضی از زوایای جدیدی از آن را استخراج کرد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: عسکری (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان حجاب در ادیان الهی، به بررسی حجاب و حدود آن در ادیان مختلف پرداخته است. او ابتدا به فطری بودن پوشش اشاره نموده، آنگاه حجاب را جداگانه در هر یک از ادیان بررسی کرده است. او به وجود حجاب در همه ادیان اذعان دارد. فیاض (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان حجاب، ریشه در تاریخ کهن ایران دارد، به بررسی حجاب پرداخته است و پس از اینکه درباره پوشش از گذشته‌های دور واکاوی می‌کند، اینگونه نتیجه می‌گیرد که حجاب ریشه در فطرت انسان دارد و ادیان تنها مهر تأیید بر آن زده‌اند. خرقانی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان تاریخچه حجاب و پوشش در ادیان مختلف، به بررسی ریشه و منشاء حجاب و تاریخچه آن از آدم تا خاتم و یا حتی در میان ادیان غیرتوحیدی و از جوامع بدوی تا جوامع متمدن

می‌پردازد. او معتقد است که حجاب همیشه وجود داشته است و گاه به صورت دستور دینی، و گاه به عنوان جزئی از فرهنگ رعایت می‌شده است.

آنچه این تحقیق را از سایر پژوهش‌ها متمایز می‌کند تمرکز بر حجاب در تحکیم خانواده و آثار آن از منظر آموزه‌های دینی می‌باشد.

مفهوم‌شناسی حجاب

حجاب در لغت:

کلمه «حجاب» مصدر از ریشه (ح ج ب) است که اهل لغت تعاریف مختلفی برای آن ذکر کرده‌اند. برخی گفته‌اند: «الحجاب ما حجب به شیء عن شیء» (فراهیدی، العین، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۸۶). بنابراین تعریف حجاب آن چیزی است که به واسطه آن چیزی از چیزی در حجاب قرار گیرد. روشن است که نباید در تعریف چیزی از خود آن امر یا مشتقات آن استفاده کرد تا مصادره به مطلوب رخ ندهد؛ اما در اینجا برای روشن شدن معنای حجاب از فعل آن (حَجَبَ) استفاده شده است. لذا بهتر آن است که گفته شود: «الحجاب کلّ ما حالّ بین شیئین» (طریحی، فخر الدین، مجمع البیان، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۴). هر آنچه میان دو چیز حائل شود، حجاب است.

برخی نیز این واژه را کمی دقیق‌تر، تعریف کرده‌اند: «الحجاب هو الحائل الحاجز المانع عن تلاقی شیئین أو أثرهما، سواء كانا مادّیین أو معنویین أو مختلفین، و سواء كان الحاجب مادّياً أو معنوياً» (مصطفوی، التحقيق فی کلمات قرآن، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۶۷). تا اینجا به نظر می‌رسد که هر آنچه دو چیز را از هم جدا کند و فاصله اندازد، از مصادیق حجاب خواهد بود (از هر جنس و نوعی که باشد). اما تعاریف دیگری نیز به چشم می‌خورد که در آن‌ها نوع این حائل و مانع مشخص شده و آمده است: «الحجاب الستر» (ابن منظور، لسان العرب، ۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۹۸) مطابق این دسته از تعاریف حجاب پرده‌ای است که میان بیننده و آنچه می‌بیند، حائل می‌شود. البته لغت‌دانان «ستر» را هم به معنای پرده و هم پوشش آورده‌اند (آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، ۱۳۸۲، ص ۲۷۷). حاصل آنکه جستجو در کتب لغت و تأمل در تعاریف واژه حجاب حاکی از آن است که در معنای لغوی حجاب دو مفهوم قابل تمایز از هم وجود دارد؛ مفهوم اول جدا کردن دو چیز، مرز گذاشتن

میان آن‌ها و فاصله انداختن بین دو امر می‌باشد که این معنا از واژه‌های حائل، مانع و حاجز مستفاد است. مفهوم دوم، پنهان کردن، پوشاندن و از مقابل دیده افراد خارج کردن است که این معنا از کلمه «ستر» و مانند آن قابل استفاده می‌باشد.

حجاب در اصطلاح فقه

واژه حجاب در فقه مصطلح است و معنا و کاربرد خاصی دارد. که در آن احکام شرعی تبیین و تشریح می‌گردد. همچنین به نظر می‌رسد فهم عرف از واژه حجاب بیشتر ناظر به معنای فقهی آن است.

فقه‌ها در تعریف حجاب گفته‌اند: «الحجاب ما تلبسه المرأة من الثياب لستر العورة عن الأجانب» (قلعجی، معجم لغة الفقهاء، ۱۴۰۸ ق، ص ۵۵). حجاب لباسی است که زن برای حفظ عورت از اجانب می‌پوشد. در این تعریف، سه نکته قابل تأمل وجود دارد:

اول، لفظ «مرأه» است که نشان می‌دهد حجاب مترادف «پوشش زن» است و تعبیر حجاب مردان، تعبیر نادرستی است.

دوم، مسأله «عورت» است که طبق این تعریف، حجاب برای پوشاندن آن به کار می‌رود و مصداق آن در مورد زن، همه بدن به جز وجه و کفین می‌باشد (فتح الله، معجم الفاظ فقه الجعفری، ۱۴۱۵ ق، ص ۳۰۱).

مؤلفه دیگری که با توجه به این تعریف در مفهوم حجاب، مأخوذ است، پوشش از نامحرم (عن الأجانب) است. بر این اساس پوشش زن در نماز یا در حال طواف، حجاب نامیده نمی‌شود.

تحقیق و تفحص در کتب فقه‌های مسلمان (اعم از سنی و شیعه) ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که حجاب به عنوان یک تکلیف شرعی و حکم الهی جایگاه خاص و ویژه‌ای در شرع مقدس اسلام دارد؛ به گونه‌ای که اصل این حکم از ضروریات دین بوده و تنها اختلاف در جزئیات مسأله است. (حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ۱۹۶۹ م، ج ۵، ص ۲۳۹). همچنین در کتب و منابع فقهی بیش از سی دلیل عقلی و نقلی بر وجوب و ضرورت حجاب اقامه شده است (موسوی خوانساری، حکمه الحجاب و ادله النقاب، ۱۳۴۹ ق، ص ۱۳۹) که خود نشان‌دهنده اهمیت ویژه آن می‌باشد.

از آن جا که وظیفه فقه تبیین احکام الهی و حدود آن هاست، در کتب فقیهان مسلمان حدود پوشش زن (یا حجاب) چنین تعیین شده است: «زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بپوشاند؛ بلکه احتیاط واجب آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده ولی خوب و بد رامی فهمد و به حدی رسیده که موردنظر شهوانی است، بپوشاند» (امام خمینی، توضیح المسائل، ۱۳۶۶، ص ۸۳۲)

نتیجه بحث آنکه، حجاب در فقه به معنای پوشش خاص زنان است که همه بدن را به جز صورت و دو دست از نامحرمان بپوشاند که حکم آن در شرع مقدس اسلام «وجوب» است. امروزه نزد عامه مردم آن معنایی از حجاب که بیش از همه به ذهن می آید و مورد استعمال است همین معنای فقهی حجاب می باشد. اما در کتب فقها بیشتر از واژه «ستر» استفاده شده و از این نظر واژه حجاب از الفاظی است که استعمال آن نسبتاً جدید است؛ چنانکه یکی از اندیشمندان معاصر بر این معنا تأکید کرده است (مطهری، مسئله حجاب، ۱۳۹۱، ص ۶۴). در واقع دقیقاً معلوم نیست که از چه زمانی و چرا واژه حجاب در معنای پوشش زن به کار گرفته شده است.

در قرآن کریم در مجموع، کلمه حجاب در هفت مورد به کار رفته که سه مورد را به اختصار از نظر معنی و مفهومی بیان می شود تا مقصود حاصل آید.

۱- خداوند در سوره اعراف، ضمن بیان سرگذشت بهشتیان و دوزخیان می فرماید: «و بینهما حجابٌ و علی الاعراف رجالٌ یعرفونَ بسیمائهم» در روز جزا میان بهشتیان و دوزخیان حجاب و حائلی است که به وسیله آن، این دو گروه از همدیگر متمایز و جدا می شوند». (اعراف، ۴۶)

۲- در سوره اِسرائ به پیامبر (ص) خطاب شده که هنگام قرائت قرآن میان او و مردم مشرک که به آخرت ایمان ندارند، پرده ای پوشیده قرار داده می شود: «وَ إِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَیْنَكَ وَ بَیْنَ الذِّیْنَ لَا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا» (اِسرائ، ۴۵). روشن است که مراد از «حجاب مستور» در این آیه از قرآن پرده پوشیده می باشد.

۳- در داستان حضرت مریم نیز از واژه حجاب استفاده شده است: «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَیْهَا رُوحَنَا؛ حضرت مریم حجابی میان خود و دیگران افکند تا خلوتگاهش از هر نظر کامل شده و از اهل خویش پوشیده باشد. (مریم، ۱۷)

نتیجه کانون خانوادگی براساس دشمنی و نفرت پایه گذاری می‌شود. (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۳۸۱، ص ۷۹)

علت اینکه جوانان امروز (بخصوص در غرب) از ازدواج گریزانند و هر وقت به آنان پیشنهاد می‌شود، جواب می‌دهند: حالا زود است یا با عناوین دیگر شانه خالی می‌کنند، همین است. در قدیم یکی از شیرین‌ترین آرزوهای جوانان ازدواج بود، جوانان پیش از آنکه به برکت دنیای اروپا کالای زن این همه ارزان و فراوان گردد شب زفاف را کم از تخت پادشاهی نمی‌دانستند. (زیبایی‌نژاد، نظام اسلامی و مسئله حجاب، ۱۳۸۵، ص ۳۸۵)

در سیستم روابط آزاد جنسی، پیمان ازدواج به دوران آزادی دختر و پسر خاتمه می‌دهد و آنان را ملزم می‌سازد که به یکدیگر وفادار باشند و در سیستم اسلامی به محرومیت و انتظار آنان پایان می‌بخشید. (مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ۱۳۸۰، ص ۶۳)

در نظام آزاد جنسی فقط نگاهی که نیروهای جوانی و شور و نشاط جوانان رو به ضعف و سستی می‌گذارد و در این موقع هم زن را فقط برای فرزند زاییدن یا خدمتکاری می‌خواهند، اقدام به ازدواج می‌کنند و تشکیل خانواده بر پایه عشق خالص و محبت عمیق استوار نمی‌باشد. (آشنایی، مسئله حجاب، ۱۳۷۰، ص ۸۵)

عدم اطاعت از خواسته‌های نامشروع خانواده

بسیاری از بانوان، متدین بوده و کاملاً بر حجاب خود اصرار دارند، اما متأسفانه برخی از زن‌ها نیز هستند که بالعکس، سعی بر استفاده از پوشش‌های نامناسب در برابر نامحرم دارند. از اقدامات مردان در برابر حجاب خانواده، اطاعت نکردن و تن ندادن به چنین بی‌حجابی‌هایی است. در روایتی از پیامبر (ص) چنین نقل شده است: «مَنْ أَطَاعَ امْرَأَتَهُ أَكَبَهُ اللَّهُ عَلَى مَنْخَرِيهِ فِي النَّارِ فَقِيلَ وَ مَا تِلْكَ الطَّاعَةُ قَالَ تَدْعُوهُ إِلَى النَّيَاحَاتِ وَالْعُرْسَاتِ وَالْحَمَامَاتِ وَ لُبْسِ الثِّيَابِ الرَّفَاقِ فَيُجِيبُهَا» هر مردی از زنش اطاعت کند خداوند او را با صورت در آتش خواهد افکند». (ابن بابویه، من لا يحضره فقيه، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۱۶) امام علی (ع) عرض کردند: منظور از اطاعت زن چیست؟ حضرت فرمودند: اینکه به او اجازه رفتن به حمام‌های عمومی، عروسی‌هایی (که در آن گناه می‌شود) و مجالس آوازه‌خوانی بدهد

و نیز اجازه دهد تا در میان نامحرمان لباس نازک بپوشد. (مطهری، سیری در نهج البلاغه، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۳۱۰)

البته علت نهی از شرکت در این مراسم‌ها شرایط خاص آن زمان است؛ چون ظاهراً مجالس جشن، عزاء، عروسی و همچنین حمام‌ها در آن دوران، مناسب برای شرکت مسلمان‌ها نبود، در نتیجه با تغییر شرایط و گناه آلود نبودن این مکان‌ها و مجالس، رفتن بانوان به این مجالس جشن و یا استفاده از حمام‌های عمومی بی اشکال به نظر می‌رسد. همچنان که در سفارشی از پیامبر (ص) آمده است «کسانی که ایمان دارند، فقط با پوشش مناسب حق رفتن به حمام را دارند». (جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ۱۴۲۲ق، ج ۸، ص ۲۳۹)

نتیجه‌گیری

در مجموع، حجاب در نگاه اسلامی تنها یک پوشش ظاهری نیست، بلکه ابزاری مؤثر برای صیانت از بنیان خانواده است. این ارزش اخلاقی، فضایی آرام و سالم برای شکل‌گیری روابط عاطفی و تعهدآمیز میان اعضای خانواده فراهم می‌سازد و از بروز بسیاری از چالش‌ها و آسیب‌های روانی و اجتماعی پیشگیری می‌کند. زن با رعایت حجاب، نه تنها شخصیت خود را محافظت می‌کند، بلکه محیط خانواده را از تأثیرات منفی بیرونی دور نگه می‌دارد. حجاب نه تنها به زن آرامش روانی و احساس امنیت می‌بخشد، بلکه نقش مهمی در کاهش زمینه‌های گناه در سطح اجتماع دارد. زمانی که معیارهای پوشش بر پایه حیا و تقوا رعایت شود، نگاه‌ها و رفتارها نیز معنادارتر و کنترل‌شده‌تر می‌شوند. این فضای سالم اجتماعی، بستری برای رشد اخلاقی و کاهش تنش‌های رفتاری فراهم می‌آورد و سلامت جامعه را تقویت می‌کند. زن با رعایت حجاب، از آسیب‌های روحی، قضاوت‌های سطحی و فشارهای اجتماعی مصون می‌ماند؛ همین آرامش درونی به تعاملات خانوادگی منتقل شده و زمینه‌ای برای روابط پایدارتر با همسر و فرزندان ایجاد می‌کند. در چنین فضایی، اعتماد و احترام متقابل در خانواده تقویت شده و اختلافات و سوء تفاهم‌ها کاهش می‌یابد. به این ترتیب، حجاب نه تنها از زن محافظت می‌کند، بلکه خانواده را مستحکم‌تر کرده و در بلندمدت به سلامت اخلاقی و روانی جامعه کمک می‌نماید.

منابع

قرآن کریم

- آذرنوش، آ، (۱۳۸۲)، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، تهران، نشر نی.
- آشنایی، ع، (۱۳۷۰)، مسئله حجاب، بی جا، ارم.
- اکبری، م ر، (۱۳۸۹)، حجاب در عصر ما، تهران، پیام آزادی.
- ابن منظور، م، (۱۳۱۳ق)، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن بابویه، م، (بی تا)، من لا یحضره فقیه، تهران، بنیاد اسلامی.
- امام خمینی، ر، (۱۳۶۶)، توضیح المسائل، تهران، رجاء.
- بروجردی، ح، (۱۳۸۶)، جامع الاحادیث شیعه، تهران، فرهنگ سبز.
- پورسیف، ع، (۱۳۸۲)، خلاصه تفاسیر قرآن مجید (تفسیر نمونه)، تهران، مختلف.
- تمیمی آمدی، ع، (۱۴۱۰ق)، غررالحکم و درر الکلم، قم، دار الکتب الاسلامیه.
- تنکابنی، م، (۱۳۷۶)، راهنمای انسانیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، ع، (۱۳۸۵)، زن در آیینه جمال و جلال، قم، اسراء.
- جوادی، ع، (۱۴۲۲ق)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دار الساقی.
-، (۱۳۸۷)، تنسیم، قم، اسراء.
- حکیم، م، (۱۹۶۹م)، مستمسک العروه الوثقی، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی.
- حویزی، ع، (بی تا)، نور الثقلین، قم، دار الکتب العلمیه.*****
- خادمی اصفهانی، ا، (۱۳۹۴)، اخلاق اسلامی در نهج البلاغه، تهران، نسل جوان.
- حر عاملی، م، (۱۳۶۶)، وسائل الشیعه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

رجبی، ع، (۱۳۹۰)، حجاب و نقش آن در سلامت روان، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

روحانی علی آبادی، م، (۱۳۷۸)، داستان‌های عبرت‌انگیز از زندگانی حضرت زهرا (س)، بی‌جا، سازمان تبلیغات خود کفایی بسیج.

زیبایی‌نژاد، م ر ، (۱۳۸۵)، نظام اسلامی و مسئله حجاب، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

دورانت، و، (۱۳۶۹)، لذات فلسفه، مترجم: عباس زریاب، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

.....، (۱۳۸۰)، تاریخ تمدن، مترجم: امیر حسین آریانپور، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

راسل، ب، (۱۳۵۵)، زناشویی و اخلاق، مترجم: مهئی افشار، تهران، کاویان.

رحیمی، ع، (۱۳۸۵)، فرشتگان زمین، تهران، نشر جمال.

طریحی، ف، (۱۳۷۵)، مجمع البیان، تهران، مکتبه المرتضویه.

طبرسی، ا، (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج علی اهل اللجاج، مشهد، نشر مرتضی.

فراهیدی، خ، (۱۴۰۵ق)، العین، قم، دار الهجره.

فتح الله، ا، (۱۴۱۵ق)، معجم الفاظ فقه الجعفری، بیروت، الدمام.

قائمی، ع، (۱۳۷۳)، حیات زن در اندیشه اسلامی، تهران، انتشارات امیری.

گوستاو، ب، (۱۳۷۸)، تمدن اسلام و غرب، مترجم: محمد تقی فخر داعی، تهران، افراسیاب.

قرائتی، م، (۱۳۸۳)، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

قاضی، ف، (۱۳۸۸)، حجاب دختران، قم، گلستان ادب.

قلعجی، م، (۱۴۰۸ق)، معجم لغة الفقهاء، بیروت، دار النعائس.

مصطفوی، ح، (۱۳۶۰)، التحقيق فی کلمات قرآن، تهران، نشر کتاب.

موسوی خوانساری، ا، (۱۳۴۹ق)، حکمه الحجاب و ادله النقاب، تهران، علمی.

- مطهری، م، (۱۳۹۱)، مسئله حجاب، تهران، صدرا.
-، (۱۳۷۹)، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا.
-، (۱۳۹۵)، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا.
-، (۱۳۸۱)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا.
-، (۱۳۸۰)، اسلام و مقتضیات زمان، قم، صدرا.
-، (۱۳۶۹)، سیری در نهج البلاغه، قم، افست.
- مجلسی، م ب، (۱۴۰۴ق)، مرآه العقول، فی شرح اخبار آل رسول، مترجم: هاشم رسولی محلاتی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- منتسکیو، ب، (۱۳۶۲)، روح القوانين، مترجم: علی اکبر مهتدی، تهران، امیرکبیر.
- محدثی، ج، (بی تا)، جزوه گل عفاف، بی جا، زرین.
- مرتضایی، ع، (۱۳۹۷)، نقش حجاب در استحکام خانواده، نشریه صبح، ش ۹۱.
- نجفی، م ح، (۱۳۷۷)، جواهر الکلام، قم، جامعه مدرسین.
- نوری، ح، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت (ع).